

تولید در انتهای لیست اولویت‌ها

تکالیف برنامه هفتم بدون رشد در بخش صنعت، توسعه پایدار ایجاد نمی‌کند

کشور از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۹ رقم بسیار ناچیز دو درصد بوده که حتی از رقم ۲۱ درصدی متوسط رشد بلندمدت کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در دوره مذکور هم کمتر است. میانگین تورم سالیانه در دوره یادشده برابر با ۱۹/۳ درصد بوده که این میزان از تورم همواره ایران را به یکی از کشورهای دارای تورم بالا در دنیا معرفی می‌کند. علاوه بر رشد کم، نابرابری شدید در زمینه توزیع همین رشد در کشور وجود دارد. برای نمونه یک چهارم تولید ناخالص داخلی بدون نفت کشور به تنهایی در استان تهران و پس از آن به ترتیب در چهار استان اصفهان، بوشهر، خراسان رضوی و خوزستان تولید می‌شود؛ به عبارتی، ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی بدون نفت کشور در این پنج استان تولید می‌شود. از مجموع ۳۱ استان کشور، ۱۹ استان ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی بدون نفت را برعهده دارند. علاوه بر سهم نابرابر مناطق مختلف در رشد بنبه تولیدی و قابلیت‌های رشد این صنایع نیز متفاوت است؛ به‌طور مثال ۱۵ درصد ارزش افزوده بخش ساخت صنعتی، ۲۲ درصد ارزش افزوده بخش ساختمان و ۳۳ درصد ارزش افزوده بخش خدمات در استان تهران تولید می‌شود. چنین توزیع نابرابری نیز در استقرار واحدهای صنعتی کشور در استان‌ها بسیار مشهود است. در استان‌های مری کشور، اقتصاد کشاورزی به‌رغم محدودیت منابع آبی بر اقتصاد صنعتی غالب است و این استان‌ها به علت بی توجهی به برنامه‌ریزی‌ها، اقتصادشان بیشتر وابسته به کشاورزی است تا صنعت و همچنین، آمارهای مربوط به محرومیت فقر و بیکاری در این استان‌ها بسیار بیشتر از دیگر استان‌هاست.

چرا دچار این وضعیتیم؟

چرا تا به امروز تلاش‌ها در راستای صنعتی شدن کشور، موفق نبوده است؟ محدودیت سرمایه به مثابه مهم‌ترین محدودیت رشد، شاید ساده‌ترین و سرراست‌ترین پاسخ کلاسیک به این پرسش باشد. با این وجود، شواهد نشان می‌دهد که در شش دهه گذشته از محل منابع مستقیم و غیرمستقیم و به قیمت جاری بیش از ۴۱۰۰ میلیارد دلار منابع در اختیار سیاستگذاران قرار گرفته تا توسعه انجام شود اما همه این هزینه‌ها در زمانی که برنامه‌ای مدون برای توسعه وجود نداشته باشد، بی‌معناست.

ابتدا باید مشخص کرد که آیا سیاست صنعتی در ایران وجود دارد که حالا بخواهیم آن را ارتقا دهیم؟ دولت سیاست صنعتی ارائه نکرده که خصوصیات آن را بررسی کنیم. دولت به دلیل این که انتظار نداشته سرکار بیاید، برنامه مدون و مشخصی ندارد. لازم است که در برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه شود تا همه بدانند برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت دولت در شش ماه و یکسال آینده و همین‌طور در چهار سال آینده، چیست. زمان در حال از دست رفتن است؛ این قابل درک است که خود رئیس‌جمهور و اعضای دولت تا چهار ماه قبل تصور نمی‌کردند

سودی نداشت؟ اگر این شرکت سودده تعطیل شود، به نفع کشور است؟ البته حتماً این تصمیم به ضرر مالکان است اما سود کشور در این نوع فعالیت نیست. به نظر می‌رسد مدلی از فعالیت اقتصادی شکل گرفته است که برای مالکان آن سودآور هم هست اما برای کل کشور، زیان‌آور است. این پدیده بسیار تلخ است و از آنجا ناشی می‌شود که سیاست‌گذار، سیاست غلطی را در پیش گرفته است و فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان بر اساس ظرفیت‌هایی که وجود داشته و از مجاری کاملاً قانونی، تصمیم گرفته‌اند سرمایه‌گذاری کنند و به سود هم رسیده‌اند. این معضل، حاصل تصمیم غلط سیاست‌گذار است. اینجا به هیچ عنوان نمی‌توان به آن فعال اقتصادی خرده گرفت و پرسید چرا این فعال اقتصادی تصمیم گرفته فعالیت انجام دهد که به زیان کشور است. یا نمی‌توان با این ادبیات صحبت کرد که تولیدکننده و فعال اقتصادی برای آنکه جیب خود را پر کند، به کشور ضرر زده است. چنین ایده‌ای به هیچ وجه قابل قبول نیست. همه چیز به سیاست‌گذاری بازی می‌گردد که تصمیم‌گیری نادرستی داشته و با تحمیل قیمت‌گذاری نهاده‌های تولید، در روند تولید اختلال ایجاد کرده است. در واقع تولید کشور، از روند تولید بهینه بسیار فاصله گرفته است. این ضعف اقتصادی ایران است چراکه سیاست‌گذاری غلط، باعث شده مردم چه به عنوان مصرف‌کننده و چه به عنوان تولیدکننده، تصمیم‌هایی بگیرند که برآورد آنها به ضرر اقتصاد است. نتیجه این امر هم آن شده که منابع کشور، مستهلک می‌شود. بنابراین می‌توان گفت مسیر رانت‌جویی که در کشور به وجود آمده، از سوی دولت ریل‌گذاری شده است. پارادایم سیاست‌گذاری و حکمرانی باید اصلاح شود. دو پارادایم وجود دارد؛ یکی اینکه خود سیاست‌گذار تصور کند آحاد اقتصادی به دستور او گوش فورا می‌دهد و آنچه از منظر سیاست‌گذار بهینه است، در تصور مردم هم بهینه است و آحاد اقتصادی به همان عمل می‌کنند. نوعی پارادایم دیگر وجود دارد که سیاست‌گذار مقررات زمین بازی را تعیین می‌کند و بازیگران که همان خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی هستند، در همین زمین که طراحی شده بازی می‌کنند و دیگر در این زمین دستور و اجباری در کار نیست.

شرح وضعیت

برنامه هفتم توسعه دولت را موظف می‌کند که به رشد هشت درصدی برسد اما اقتصاددانان معتقدند که رشد اقتصادی، بدون برنامه مدون توسعه صنعتی، امکان‌پذیر نیست و کشور هم برنامه‌ای برای توسعه صنعتی ندارد.

با وجود گذشت بیش از هفت دهه از تجربه برنامه‌ریزی توسعه و تدوین هفت برنامه عمرانی پیش از انقلاب که پنج برنامه آن اجرا شد و تدوین و اجرای هفت برنامه توسعه پس از انقلاب، همچنان شکاف انتظارات و نتایج در برنامه‌ریزی توسعه در ایران پایدار باقی مانده است. متوسط رشد اقتصادی سالیانه



مریم رحیمی
خبرنگار اقتصادی

اقتصاد ایران در بهار سال جاری نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، ۳/۲ درصد رشد کرده است؛ این گزاره‌ای است که صحت دارد و بانک مرکزی آن را صحت‌سنجی کرده اما احتمالاً اگر از مردم عادی پرسید، کمتر کسی باور می‌کند که اقتصاد کشور و تولید ناخالص داخلی، بهبود یافته است. اینجاست که یک سوال به ذهن مخاطب متبادر می‌شود و آن هم اینکه اگر اقتصاد کشور رشد داشته، پس چرا مردم هنوز با بحران‌های ناشی از کوچک‌تر شدن سفره، دست و پنجه نرم می‌کنند؟

عوامل زیادی می‌توانند به این سوال پاسخ دهند اما درس‌گفتارهای سیاست صنعتی به حرف می‌آیند و بهترین جواب‌ها را می‌دهند. سرراست‌ترین پاسخ سیاست‌های صنعتی این است که رشد ناشی از نفت چندان توسط مردم احساس نمی‌شود؛ همچنین برخی اقتصاددانان معتقدند که رشد اقتصادی زمانی منجر به رفاه مردم می‌شود که همزمان مصرف خصوصی، در کشور افزایش یافته باشد. از سوی دیگر، در شرایطی که تورم بیش از ۵۰ درصدی در اقتصاد وجود دارد، مردم با شوک‌های ارزی مواجه بوده‌اند و آمارهای تشکیل سرمایه همچنان منفی است؛ احتمالاً بیشتر مردم، نتوانند تغییری در بهبود کیفیت زندگی خود احساس کنند. این گزارش که در نگاشتن آن از راهنمایی و توصیه‌های حسین جوشقانی، دانش‌آموخته اقتصاد دانشگاه شیکاگو و استاد دانشگاه خاتم استفاده شده، سعی می‌کند توضیح دهد که سیاست‌های صنعتی در ایران به نحوی فشل هستند که وضعیت اقتصاد ایران در دهه ۳۰ به مراتب مطلوب‌تر از شرایط کنونی کشور است. چراکه رانت‌های گوناگون، منجر شده توسعه بر پایه رانت، عملاً بدون ایجاد دستاورد باشد و دولت چهاردهم، با صنایعی مواجه می‌شود که نه تنها مسیر توسعه را هموار نمی‌کنند بلکه با تمام شدن منابع رانتی، به زمین می‌نشینند.

صنایع ایران حتی اگر سودده باشند، ارزش افزوده تولید کنند و به اشتغال منجر شوند، همچنان هم از توسعه پایدار فاصله معناداری دارند. برای محک زدن میزان شمربخشی فعالیت اقتصادی باید چند سوال پرسید؛ آیا تولید در این شرکت‌ها بهینه است؟ آیا این صنایع از نظر اقتصادی به نفع کشور عمل کرده‌اند؟ مقدار کازوتیل و سوختی که این صنایع استفاده می‌کنند چقدر است و از همه مهم‌تر آن که اگر همین میزان انرژی مصرفی را مستقیم صادر کرده بودیم، سود بیشتری حاصل نمی‌شد؟ اگر دولت مجبور نبود برای اینکه سوخت مورد نیاز این صنایع را تأمین کند، دست به واردات بزند،



از سرگیری واگذاری سهام به نوزادان

«سال‌های قبل این موضوع انجام شده اما سال جاری تاکنون پرداختی در این خصوص صورت نگرفته که اگر بودجه تخصیص یابد، هر چه زودتر پرداختی‌ها انجام می‌شود.» عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد، با بیان این مطلب، از رشد ارزش واگذاری صندوق‌های سرمایه‌گذاری نوزادان در قانون جوانی جمعیت متناسب با تورم خبر داد و به تسنیم گفت: «طبق بودجه‌ای که به وزارت اقتصاد اختصاص می‌یابد، می‌توان منابع مورد نیاز این صندوق‌ها را تأمین کرد.» وی افزود: «سال‌های قبل این موضوع انجام شده اما سال جاری تاکنون پرداختی در این خصوص صورت نگرفته است. به‌طور قطع اگر بودجه تخصیص یابد، هر چه زودتر پرداختی‌ها در این زمینه انجام خواهد شد.» همتی ادامه داد: «برای تأمین مالی با سازمان برنامه و بودجه مکاتبه شده و در صورت دریافت بودجه، بلافاصله اقدامات لازم برای خانواده‌هایی که نوزاد دارند و به آنها پرداختی باید صورت بگیرد، انجام خواهد شد.»



جلوگیری از مخارج نابجای دستگاه‌ها

در حال حاضر حقوق کارکنان دولت در یک لحظه، برای تمام کارمندی سراسر کشور از طریق خزانه‌داری به حساب‌هایشان واریز می‌شود. حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، به تسنیم گفت: از سال آینده پرداخت‌های دولت برای بودجه عمرانی به جای حساب دستگاه مستقیم به حساب پیمانکارها پرداخت می‌شود. رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور ادامه داد: در حال حاضر ما باید مبالغ را به وزارت راه و شهرسازی بدهیم. سپس این وزارتخانه آن را به ادارات استانی تخصیص دهد و سپس آنها پرداختی به پیمان کار را انجام دهند. وی با اشاره به اینکه دولت چهاردهم قرار است تا پرداخت مستقیم به پیمانکارهای دولت را اجرایی کند، گفت: بحث دینغ نهایی در پرداخت‌های اشخاص تقریباً تمام شد و باید به سراغ بحث اشخاص حقوقی، مثل پیمانکاران برویم. اما سوال این است که چگونه پیمانکار باید به عنوان دینغ نهایی تلقی شود؟ این مورد از جمله مسائلی است که در حال پیاده‌سازی آن هستیم.



مردم به شایعات توجه نکنند

تاکنون هیچ نوتام (اطلاعیه هوانوردی) جدیدی در خصوص بستن فضای کشور یا حتی بخش کوچکی از آن صادر نشده و هیچ محدودیت پروازی در کشور وجود ندارد. جعفر یازرو، سخنگوی سازمان هواپیمایی کشور در گفت‌وگو با ایرنا گفت: منشأ مطالب منتشره در سایت‌ها و خبرگزاری‌های معاند مبنی بر صدور نوتام (اطلاعیه هوانوردی) برای بازه زمانی ۱۴ تا ۱۶ آبان برای هواپیماهای عبوری از ایران یک تئوری عبری بود که قویاً تکذیب می‌شود و چنین مطالبی به هیچ عنوان صحت ندارد. وی ادامه داد: حتی با ریزنی با بخش‌های نظامی و همکاری ستاد کل نیروهای مسلح، مسیرهای جدیدی علاوه بر مسیرهای معمول به صورت مشروط و موقت جهت استفاده در ساعات پرتراфик منطقه خاورمیانه تعریف شده است تا شرکت‌های هواپیمایی که از فضای پروازی کشور استفاده می‌کنند با فراق بیشتری نسبت به برنامه‌ریزی جریان ترافیکی مدنظر خود اقدام کنند. سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری گفت: در چند روز گذشته حتی اطلاعیه هوانوردی مبنی بر محدودیت در حین نیز نداشته‌ایم و چنانچه نیازی به صدور آن باشد، با هماهنگی و تأیید سازمان هواپیمایی کشوری رقم خواهد خورد.

